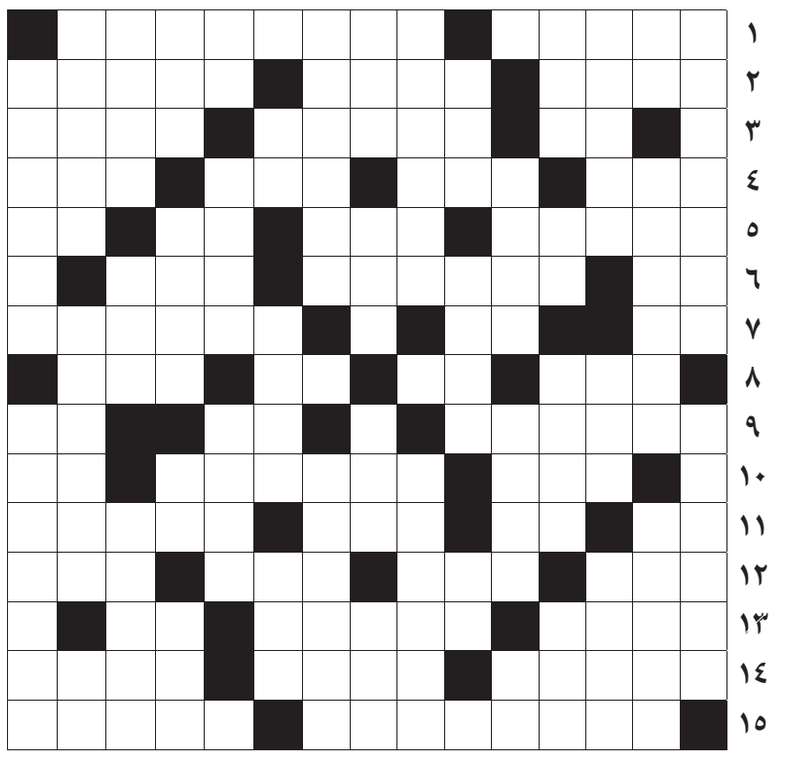

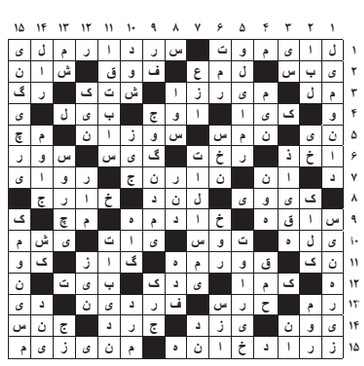

یادداشت

فراراهبرد فرهنگی برای ساخت ایران قوی

سیدعبدالله متولیان
کارشناس سیاسی

در جنگ شناختی یک کشور را می‌توان بدون اشغال حتی یک وجب از خاکش شکست. کافی است نسل آینده‌اش را قانع کنی که زندگی بهتر، هویت بهتر و آینده بهتر را باید جای دیگری در فرامرزها جست‌وجو کند. جنگ واقعی از همین‌جا آغاز می‌شود، جایی که یک نوجوان بی‌آنکه گلوله‌ای شلیک شده باشد، آرام‌آرام نسـبت خود را با سرزمین، تاریخ، خانواده و آینده‌اش بازتعریف می‌کند. این همان نقطه‌ای است که معنای سخن رهبر معظم انقلاب درباره «توجه فراراهبردی به مسئله فرهنگ، تعلیم و تربیت» آشکار می‌شود. فراراهبرد یعنی فرهنگ را نباید در انتهای زنجیره تصمیم‌گیری نشاند، فرهنگ باید در ابتدای تصمیم و تا انتهای اقدام حاضر باشد. یعنی دولت هنگام تنظیم اقتصاد، مجلس هنگام قانون‌گذاری، رسانه هنگام روایت یک حادثه و مدرسه هنگام تربیت دانش‌آموز، بدانند که در کنار نتیجه مستقیم کار خود، در حال ساختن نوعی انسان و سبک زندگی نیز هستند. فرض کنیم سیاستی اقتصادی، مصرف یک کالای خارجی را آسان‌تر کند. حسابدار فقط قیمت و بازار را می‌بیند، اما نگاه فرهنگی سؤال دیگری دارد: این تصمیم چه الگویی از مصرف را تقویت می‌کند؟ یا وقتی شبکه‌های اجتماعی، موفقیت را در ثروت نمایشی، شهرت فوری و مصرف بی‌حد خلاصه می‌کنند، مسئله فقط سرگرمی نوجوان نیست، رقابت بر سر تعریف «زندگی خوب» است.

امروز این رقابت بی‌وقفه جریان دارد. فرزند ما هم‌زمان از خانواده، مدرسه، مسجد، دوستان، رسانه داخلی و هزاران صفحه و تصویر در فضای مجازی پیام دریافت می‌کند. هر کدام تصویری از انسان موفق، خانواده مطلوب، رابطه اجتماعی و آینده پیش روی او می‌گذارند. اگر روایت ایرانی از زندگی جذاب، عقلانی و اقناع‌کننده نباشـد، خلأ نمی‌ماند، دیگری آن را پر می‌کند. پس فرهنگ را نمی‌توان به وزارت فرهنگ تحویل داد و منتظر نتیجه ماند. فرهنگ در سبک مدیریت، کیفیت مدرسه، معماری شهر، محتوای رسانه، قیمت و کیفیت کالای ایرانی، رفتار پزشک و پرستار، منش معلم و استاد و حتی نحوه برخورد یک کارمند با ارباب رجوع ساخته می‌شود. به همین دلیل است که امام امت در این پیام، از معلم و اسـتاد، حوزه و دانشگاه، پزشک و پرستار و بانوان خانه‌دار نام می‌برند. در این میان، خانه شاید مهم‌ترین سنگر باشد. نخستین درس ایران‌دوستی، مسئولیت‌پذیری، راستگویی، احترام و امید، در کلاس درس داده نمی‌شود، کودک پیش از آنکه دانش‌آموز باشد، فرزند است. خانواده‌ای که فرزندش را برای ساختن آینده همین سرزمین تربیت می‌کند، بی‌آنکه عنوانی داشته باشد، در حال انجام یک مأموریت ملی است. «فراراهبرد» دقیقاً همین‌جا معنا پیدا می‌کند. هیچ تصمیم بزرگی نباید فقط با متر اقتصادی، سیاسی یا فنی سنجیده شود. هر تصمیم باید پاسخگوی سؤالات حوزه فرهنگ باشد: با خانواده چه می‌کند؟ با امید مردم چه می‌کند؟ با هویت نسل بعد چه می‌کند؟ چه نوع سبک زندگی را تقویت می‌کند؟ و آیا در بلندمدت ایران را مستقل و قوی‌تر می‌سازد یا وابسته‌تر می‌کند؟

این نگاه البته به معنای پنهان کردن ضعف‌ها نیست. فرهنگ سالم با انکار مشکل ساخته نمی‌شود. نقد مسئول، مطالبه‌گری و دیدن کاستی‌ها لازمه اصلاح است، اما جامعه‌ای که فقط شکســت‌های خود را می‌بیند و هیچ تصویری از توانایی و آینده خویش ندارد، دیر یا زود اعتماد به نفس ملی خود را از دســت می‌دهد. روایت قدرت، مکمل حل ضعف است، جایگزین آن نیست. اکنون که ایران برای عبور از جنگ، فشار اقتصادی و رقابت سنگین جهانی به سرمایه انسانی و اجتماعی خود بیش از همیشه نیاز دارد، انتخاب پیش روی ما روشن است: یا نسل آینده را خودمان تربیت و روایت می‌کنیم، یا دیگران این کار را برایمان انجام خواهند داد. ایران قوی فقط کشـوری نیست که موشک دارد، کارخانه دارد یا رشد اقتصادی را تجربه می‌کند. ایران قوی کشوری است که فرزندانش ماندن، ساختن و پیشرفت کردن در آن را انتخاب می‌کنند. شاید این همان معنای واقعی «فراراهبرد» باشد: فرهنگ را از حاشیه سیاست‌گذاری به قلب حکمرانی بیاوریم، زیرا سرنوشت ایران پیش از آنکه در میدان‌های آینده تعیین شود، در ذهن و شخصیت نسلی تعیین خواهد شد که فردای این کشور را به دست می‌گیرد.

گزیده خبر

مسئول نمایندگی ولی‌فقیه در سازمان بسیج:
باید موفقیت‌ها را برجسته و از رجزخوانی درباره کمبودها پرهیز کرد

مسئول نمایندگی ولی‌فقیه در سازمان بسیج مستضعفین با تأکید بر ضرورت تقویت روحیه امید در جامعه گفـت: باید موفقیت‌ها و داشته‌های نظام جمهوری اسلامی را برجسته کنیم و از رجزخوانی درباره کمبودها بپرهیزیم تا هواداران و دلبستگان نظام دلسرد نشوند.

به گزارش خبرگزاری بسـیج، حجت‌الاسـلام علیرضا رضایی، در جمع فرماندهان اسـتان آذربایجان شـرقی، بر ضرورت شـکرگزاری در برابر نعمت‌های الهی، توجه به وجود امام زمان(عج) و حفظ وحدت و انسجام در جامعه تأکید کرد. رضایی تأکید کرد: نقدی که موجب تفرقه شود، مورد توصیه رهبر معظم انقلاب نیسـت. اگر بیان یک سخن حق در شرایطی موجب تکمیل نقشه دشمن می‌شود، باید از طرح آن در آن مقطع خودداری کرد. مسئول نمایندگی ولی‌فقیه در سازمان بسیج مستضعفین در پایان با تأکید بر ضرورت تقویت روحیه امید در جامعه گفت: باید موفقیت‌ها و داشته‌های نظام جمهوری اسلامی ایران را برجسته کنیم و از رجزخوانی درباره کمبودها بپرهیزیم تا هواداران و دلبستگان نظام دل‌غمین نشوند.

خبر

شعار «مرگ بر امریکا» در مجلس
نیکزاد: پنبه بازشدن تنگه را از گوش در آورید

در شرایطی که تنگه هرمز به یکی از محورهای اصلی تحولات پس از جنگ اخیر تبدیل شده است، نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی با تأکید بر اینکه جمهوری اسلامی ایران در دفاع از منافع ملی و تأمین امنیت منطقه تردیدی ندارد، تصریح کرد که تنگه هرمز به شرایط پیش از جنگ بازنخواهد گشت و هرگونه تلاش برای عادی‌سازی وضعیت آن بدون توجه به واقعیت‌های میدان، راه به جایی نخواهد برد.

به گزارش ایسنا، علی نیکزاد، نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی مجازی در نطق پیش از دستور خود، با تأکید بر اینکه نباید اجازه دهیم دشمن جنگ را از میدان نظامی به میدان روانی، اقتصادی و اجتماعی منتقل کند، اظهار کرد: در جنگ تحمیلی اخیر که همچنان ادامه دارد، ملت ایران نشــان داد در برابر فشار، تهدید و تجاوز، یک ملت مستحکم باقی می‌ماند؛ ملتی که امنیت، اســتقلال و عزت خود را با وحدت و ایستادگی حفظ می‌کند.

نایب‌رئیس مجلس شورای اسـلامی در ادامه با تأکید بر اینکه قدرت ایــران فقط در تجهیزات نظامی نیست، افزود: قدرت ایران در مردم ایران است، در جوان ایرانی است، در دانشمند ایرانی است، در کارگر، کشاورز، معلم، پزشک، مهندس و کارآفرین ایرانی است، در نیروهای مسلح مقتدر و در وحدت و انسجام ملت بزرگ ایران است، اما در کنار قدرت دفاعی باید قدرت اقتصادی کشور را نیز تقویت کنیم. امنیت پایدار با اقتصاد قوی امکان‌پذیر است. مردم از ما انتظار دارند که نتیجه مقاومت را در زندگی خود، در سفره‌هایشان، در اشتغال فرزندان، در مسکن، در درمان، در تولید، در ارزش پول ملی و در آرامش اقتصادی ببینند. نیکزاد با بیان اینکه جمهوری اسلامی ایران ذره‌ای تردید و ضعف در دفاع از منافع ملی خود ندارد، گفت: در این واقعیت ذره‌ای اختلاف در بین ارکان مختلف حاکمیت، مردم و نیروهای مسلح نیست. دشمنان گرفتار شده در باتلاق، هر بار با تقلای بی‌حاصل خود بیشــتر در باتلاق فرو می‌روند. امریکایی‌ها تلاش می‌کنند تنگه هرمز را باز نشان دهند، اما واقعیت‌های میــدان را توان نیروهای مقتدر مســلح ما و اشــراف کامل دلاورمردانی تعیین می‌کند که از این آب و خاک هســتند و وجب به وجب این منطقه و حتــی دریاهایش را می‌شناســند. وی افزود: برای بار چندم تأکید می‌کنیم که تنگه هرمز هیچ‌گاه به شرایط قبل از جنگ باز نخواهد گشت. امریکایی‌ها باید این پنبه را از گوش خود در بیاورند و این پیام را درک کنند که معادله تنگه راه‌حل نظامی ندارد؛ تنها راه‌حل مقدور، پذیرش حاکمیت بی‌چون‌وچرای ملتی با ریشه در خلیج همیشه فارس است که به لحاظ جغرافیایی و تاریخی مالک و صاحب این دارایی راهبردی اســت، اما متأسفیم که هیئت حاکمه نادان و خام امریکا با هر شکستی که در تلاش‌های مذبوحانه خود متحمل می‌شوند، به جای عبرت گرفتن، دست به جنایت جدیدی می‌زنند تا این شکست‌ها را بپوشانند.

نیکـزاد در ادامه بـا تأکید بر اینکـه جمهوری اسلامی ایران ذره‌ای در تنبیه این جرثومه‌های فســاد تردید و تعلل ندارد، بیان کرد: هر کسی که همکار و شــریک این جنایت‌ها باشد، خاک و ســرزمین و امکانات خود را در اختیار امریکا قرار دهد، به میزان مشارکت خود تنبیه خواهد شد. هر جنایتی از این قبیل جز به متحد شدن ملت بزرگ ایران و وحدت کلمه آنها در مقاومت در برابر دشــمن منجر نخواهد شد و همه ملت ایران یک‌صدا، یک شعار را قوی‌تر و مصمم‌تر سر خواهند داد و آن شعار «مرگ بر امریکا» است.

پس از پایان نطق پیش از دســتور علی نیکزاد، نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس شعار «مرگ بر امریکا» سردادند.

تحلیل

آشوب و جنگ اقتصادی، ۲ بازوی یک پروژه برای فرسایش ایران

فاطمه بصیری

پیام ترامپ در شبکه اجتماعی خودش بعد از حملات سه‌شنبه شب و رقم زدن جنایاتی فراموش‌نشدنی در حق مردم ایران، دوباره از نسخه کهنه خود برای ایجاد آشوب و جنگ در خیابان پرده برداشت. موضعی که دقیقاً نشان می‌دهد که اغتشاش همانند موشک‌های امریکایی، ابزاری برای ارتکاب جنایت‌های بیشتر علیه مردم ایران است. وی در تروث سوشال مردم ایران را به آشوب فراخواند و نوشت: «مردم ایران کی قرار است قیام کنند و مبارزه کنند؟»

در اظهارنظری دیگر، وزیر خزانــه‌داری امریکا نیز «قیام مردم علیه حکومت» و «ایجــاد ناآرامی و درگیــری در داخل ایــران را یکی از گزینه‌های پیش‌رو برای تهران عنوان کرد. ماهیت واقعی آشــوب همین جاست. آشوب و اغتشاش در داخل ایران در عین اینکه تلاش شده به زمینه‌های داخلی گره زده شود، همواره با منشأ خارجی بوده و به عنوان ابزاری سخت برای تحقق هدف براندازی دشمنان از درون به کار گرفته شده است.

اغتشاش، نه یک اعتراض خودجوش و بی‌طرف، که دنباله همان پروژه دشمنان است که موشــک‌های امریکایی دنبال می‌کنند. پروژه‌ای که برای ایجاد جنایات بیشتر و فرســودگی تدریجی و برای تسلیم کردن ایرانی‌ها طراحی شده و با متهم ساختن و تصویرسازی جعلی دژخیم‌گونه از حکومت، هزینه‌های حیثیتی بسیار کمتری نسبت به جنگ مستقیم دارد. این در حالی است که نشانه‌های زیادی وجود دارد که آشوب و فتنه‌انگیزی در اتاق فرمان امریکا طرح‌ریزی شده و با ورود مزدوران مسلح عملیاتی شده است.

در ناآرامی‌های دی‌مــاه ۱۴۰۴، ترامپ اعتراف کرد که ســلاح‌ها و مهمات فراوانی برای «روزی خاص» در اختیار افراد زیادی در ایران و شبه‌نظامیان کرد قرار داده است. این اظهارات، تلویحاً نشان می‌دهد که آشوب خونین دی‌ماه نیز بخشی از نقشه امریکا بوده است. علاوه بر آن، مایک پمپئو، وزیر خارجه پیشین امریکا به‌صراحت در پیامی به مأموران موساد که در کنار معترضان ایرانی در خیابان‌ها هستند، «سال نو» تبریک گفت و روزنامه اســرائیلی «جروزالم پست» نیز اعتراف کرد که مأموران موساد در اعتراضات ایران حضور دارند.

پس از این ناکامی، ترامپ از ابتدای آغاز جنگ چند بار فرمان آشوب را برای مزدوران خود در داخل ایران صادر کرد. او در ۹ اسفند، همزمان با آغاز حملات امریکا و اسرائیل، از مردم ایران خواست «کنترل کشور و سرنوشت خود را به دست بگیرند» و راهبرد اعلام شده واشینگتن بر این امید استوار بود که اغتشاش و جنگ داخلی حتماً به نتیجه خواهد رسید. او بعد از این ناکامی مجدداً در فروردین‌ماه، در پاسخ به این سؤال مزورانه که آیا ایرانیان در صورت برقراری آتش‌بس باید علیه حکومت قیام کنند، صراحتاً گفت: «آنها باید این کار را بکنند.»

این شواهد نشان می‌دهد که طرح آشوب با انگیزه‌های متنوع به ویژه انگیزه اقتصادی، به اندازه عملیات جنگ علیــه ایران اهمیت دارد و همچون جنگ نیاز به اقدامات بازدارنده و آفندی دارد. به ویژه که سهم عمده اهداف جنگ اقتصادی، روانی است و به تحریک مردم و ایجاد انگیزه‌های مقابله با حکومت اختصاص دارد. در این چارچوب، رسانه‌ها با روایت‌پردازی امیدبخش، افشای توطئه‌های دشمن و تقویت انسجام ملی به عنوان خط مقدم این جنگ ایفای نقش می‌کنند. از سوی دیگر، اجرای جدی و عملیاتی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی از طریق اصلاح ســاختارهای داخلی، حمایت از تولید و مدیریت هوشمندانه منابع، زیربنای مقاوم‌سازی اقتصاد در برابر فشارهای خارجی است. فارغ از دو عامل ذکر شده، ایران می‌تواند از ابزارهای نظامی که تهدیدی جدی برای امریکا و متحدانش به شمار می‌رود و پیشتر از آن نام برده، برای ایجاد بازدارندگی در برابر هرگونه آشوب و اغتشاش بهره ببرد.

دایره اهداف ایران تاکنون پایگاه‌های نظامی و مقرهای نظامیان امریکا بوده و ایران تا به حال اهداف اقتصادی را برای مقابله با جنگ اقتصادی اختیار نکرده است. راهبردی که چندی پیش ایران برای پاسخ به این جنگ امریکا مطرح کرد و محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی صریحاً هشدار داد: «اگر چنین کاری (جنگ اقتصادی) شروع کنند، نمی‌گذاریم یک قطره نفت از خلیج فارس عبور کند. نفت، نه از تنگه هرمز و نه خلیج فارس بیرون نخواهد رفت. ما فعلاً تنگه هرمز را بستیم و با نفت خلیج فارس کاری نداریم. ما تاکنون به هیچ منافع اقتصادی امریکا حمله نکردیم. بله پایگاه‌های امریکا را زدیم، ولی مگر امریکا کم منافع اقتصادی در کنار ما دارد!»

هدف قرار دادن این پایگاه‌ها همراه بــا اثرگذاری بر موازنه قدرت در جنگ اقتصادی و مقابله با امریکا، در بطن خود دارای مزایای راهبردی متعددی است. حملات ایران به پایگاه‌های اقتصادی امریکا می‌تواند امنیت اقتصادی این کشور و متحدانش را به چالش مستمر بکشاند و هزینه‌های گزافی به آنها وارد نماید. از این‌رو، با بازشدن جبهه جدیدی علیه امریکا، این کشور وارد دوره جدیدتری از مشکلات اقتصادی و بحران‌های امنیتی در منطقه می‌شود. رسانه‌های غربی می‌گویند، اگر حمله به تأسیسات انرژی یا مراکز مرتبط با شرکت‌های امریکایی باعث کاهش عرضه نفت و گاز شود، قیمت جهانی انرژی باز هم بالاتر می‌رود. این افزایش قیمت مســتقیماً روی شرکت‌های امریکایی، حمل‌ونقل، خطوط هوایی، تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان امریکایی اثر می‌گذارد. این موضوع در کنار بسته بودن تنگه هرمز، پیامدهای تشدیدکننده‌ای برای امریکا خواهد داشت. از این‌رو، اگر ایران با این اقدام از اثرات جنگ اقتصادی بر خود بکاهد، می‌تواند انگیزه دشمن برای ایجاد آشوب در داخل کشور را ناکام بگذارد.

جنگ اقتصادی امریکا بی‌شک روی اقتصاد ایران تأثیر می‌گذارد، اما کنترل فشار آن در دست اقتصاددانان و تصمیم‌گیران کشور است. این در حالی است که اساساً هدف از اعلام جنگ اقتصادی نه اقتصاد کشور که افکار عمومی داخلی است. پمپاژ و هیاهوسازی‌های ترامپ برای جنگ اقتصادی بیشتر از آنکه تأثیر واقعی داشته باشد، جنبه عملیات روانی دارد، زیرا در عمل ایران به دلیل تجربه‌های موفق ایران در گذر از سیاست‌های فشــار حداکثری با قواعد جنگ آشناست و برای آن راه‌حل دارد. از این‌رو، هر کلام و اظهارنظری که جهت مأیوس کردن مردم و مسدود نشان دادن مســیر خروج از جنگ اقتصادی داشته باشد، همسویی کامل با جنگ روانی امریکاست. این اقدامات به نوعی ضریب دادن به جنگ امریکا و در جهت خلاف امنیت ملی است که بعضاً از سوی برخی جریانات سیاسی که مدافع نسخه تسلیم ایران با عنوان تغییر پارادایم هستند، دنبال می‌شود. مانند اظهاراتی که حتی در بین مسئولان کشور وجود دارد، جنگ را مسبب همه معضلات اقتصادی معرفی می‌کند یا به طور مشابه برخی رسانه‌ها نیز به همان شیوه، اخبار جعلی شروط چین برای ملاقات با قالیباف را با سرعتی خیره‌کننده به خورد افکار عمومی می‌دهند.

روایت مقاومت
روزنامه اینترنتی رسانه KHAMENEI.IR

پای ترامپ در تله خودساخته

«صدای ایران»، روزنامه اینترنتی رسانه KHAMENEI.IR در سرمقاله شماره ۴۳۷ خود، با اشاره به اینکه شش ماه پس از جنگ‌افروزی امریکا علیه ایران، ابعاد مخمصه داخلی این کشور در حال تشدید است، نوشته است: برای درک اینکه چرا ترامپ برای پایان حداقل صوری جنگ عجله داشت، نباید فقط به مسائل نظامی نگاه کرد. بخش مهمی از فشاری که بر دولت او وارد می‌شد، از جایی بود که جنگ و اختلال در تنگه هرمز با برنامه اقتصادی و حتی آینده سیاسی او در تضاد قرار گرفت.

یکی از محورهای اصلی سیاست اقتصادی ترامپ، بازگرداندن تولید صنعتی به امریکا بود. این هدف بدون پایین بودن هزینه سرمایه و هزینه تولید امکان‌پذیر نیست، به همین دلیل، ترامپ همواره خواستار نرخ بهره پایین‌تر بوده و همزمان با وضع مالیات بر واردات، تلاش کرده از تولیدکنندگان داخلی در برابر رقبای خارجی حمایت کند. اما سیاست تعرفه‌ای به خودی خود یک تناقض درونی دارد، زیرا تعرفه می‌تواند قیمت کالاهای وارداتی و مواد اولیه تولید را افزایش دهد و فشار تورمی ایجاد کند؛ در حالی که تورم ادامه‌دار، دست بانک مرکزی امریکا را برای کاهش سریع نرخ بهره می‌بندد. از این‌رو، ترامپ برای پیشبرد هم‌زمان سیاست تعرفه‌ای و کاهش نرخ بهره، بیش از هر زمان دیگر به یک عامل ضدتورمی نیاز داشت که آن چیزی نبود جز انرژی ارزان.

پایین نگه داشتن قیمت نفت و بنزین فقط یک سیاست انرژی نبود، بلکه نفت ارزان هزینه حمل‌ونقل، تولید و زندگی خانوار امریکایی را کاهش می‌داد و می‌توانست بخشی از اثر تورمی تعرفه‌ها را خنثی کند. همچنین انرژی ارزان‌تر، هزینه تمام‌شده تولید در امریکا را پایین می‌آورد و به صنعتی که با نیروی کار گران‌تر از بسیاری از رقبای آسیایی مواجه است، قدرت رقابت بیشتری می‌بخشید. وعده بنزین ارزان ترامپ نیز دقیقاً در همین چارچوب معنا پیدا می‌کرد. جنگ با ایران و به‌ویژه اختلال در تنگه هرمز، این معادله را به هم ریخت، زیرا افزایش قیمت نفت یک شوک تورمی تازه ایجاد کرد و چشم‌انداز کاهش نرخ بهره را دشوارتر ساخت. به این ترتیب، ادامه جنگ به‌تدریج با یکی از مهم‌ترین پروژه‌های اقتصادی ترامپ، یعنی ترکیب تعرفه بالا، انرژی ارزان و نرخ بهره پایین، در تعارض قرار گرفت.

فشار ناشی از اختلال در تنگه هرمز فقط به نفت محدود نبود، زیرا خلیج فارس یکی از مراکز مهم صادرات اوره و کودهای شیمیایی جهان است و اختلال در کشتیرانی می‌توانست هزینه کود و در نتیجه هزینه تولید کشاورزان را افزایش دهد. این موضوع برای ترامپ اهمیت سیاسی ویژه‌ای داشت، زیرا مناطق کشاورزی و روستایی بخش بزرگی از پایگاه انتخاباتی جمهوری‌خواهان را تشکیل می‌دهند و افزایش هم‌زمان قیمت سوخت و نهاده‌های کشاورزی، به‌ویژه در دوره کشت، می‌توانست فشار اقتصادی را مستقیماً به یک مسئله انتخاباتی تبدیل کند.

عامل دیگر، محدودیت اســتفاده از ذخایر نفتی امریکا بود. امریکا علاوه بر ذخایر تجاری، ذخیره استراتژیک نفت دارد که بخش عمده آن در تأسیسات زیرزمینی نگهداری می‌شود و برداشت از این ذخایر می‌تواند در کوتاه‌مدت برای مهار بازار مفید باشد، اما استفاده بیش از حد از آن، ظرفیت واکنش امریکا در بحران‌های آینده را کاهش می‌دهد. برای واشنگتن که رقابت بلندمدت با چین را نیز پیش روی خود می‌بیند، مصرف ذخایر استراتژیک برای مدیریت پیامدهای یک جنگ منطقه‌ای، بدون هزینه راهبردی نیست.

اما شاید فشار سیاسی داخلی از همه این عوامل مهم‌تر باشد. جامعه سیاسی امریکا به شدت قطبی شده و شکاف میان جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها عملاً به اداره دولت نیز سرایت کرده است. تعطیلی چهل‌وسه‌روزه دولت فدرال در سال ۲۰۲۵ که طولانی‌ترین تعطیلی دولت در تاریخ امریکا شد، یکی از آشکارترین نشانه‌های این بن‌بست بود و اختلاف بر سر تأمین مالی دولت و مطالبات دموکرات‌ها درباره سیاست‌های درمانی نشان داد که حتی تصویب بودجه می‌تواند به رویارویی سیاسی فرسایشی تبدیل شود.

اکنون انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره نیز به این معادله اضافه شده است. اگر موج تورمی، بنزین گران و افزایش هزینــه زندگی تا زمان انتخابات ادامه پیدا کند، هزینه سیاسی آن می‌تواند مستقیماً متوجه حزب حاکم شود و از دست رفتن کنترل مجلس نمایندگان برای ترامپ فقط یک شکست انتخاباتی نیست، بلکه می‌تواند قدرت نظارتی و تحقیقاتی گسترده‌ای در اختیار دموکرات‌ها قرار دهد. گزارش‌ها حاکی از آن است که دموکرات‌ها در صورت به دست آوردن مجلس، در حال طراحی مجموعه‌ای از تحقیقات، احضارها و بررسی فعالیت‌های دولت و مجموعه‌های مرتبط با ترامپ هستند. اگرچه در مورد استیضاح ترامپ توسط کنگره نمی‌توان اظهار نظر قطعی کرد، اما در صورت ظهور مستندات جدید، این گزینه نیز می‌تواند مطرح شود. حتی بدون استیضاح، از دست دادن مجلس می‌تواند دو سال پایانی دولت ترامپ را به دوره‌ای از تحقیقات کنگره، منازعه بر سر بودجه و دشواری در پیشــبرد برنامه‌های داخلی تبدیل کند. از همین‌جا مفهوم استیصال معنای گسترده‌تری پیدا می‌کند. مسئله ناتوانی نظامی امریکا نبود، بلکه این بود که ادامه جنگ به تدریج علیه اهــداف خود ترامپ عمل می‌کرد؛ نفت گران‌تر، تورم بیشتر، نرخ بهره بالاتر، افزایش هزینه کشاورزی، فشار بر ذخایر استراتژیک و در نهایت، تهدید اکثریت جمهوری‌خواهان در کنگره.

ترامپ طی هفته‌های اخیر تلاش زیادی کرد که با راه‌اندازی نمایش عملیات اقتصادی، «روز D» علیه ایران، که فرماندهی آن را به وزیر خزانه‌داری خود سپرده، دورنمای پایان جنگ را به افکار عمومی بفروشد و خود را مسلط به اوضاع اقتصادی و تنگه هرمز و به نوعی پیروز جنگ جلوه دهد، اما هوشیاری و راهبرد ایران و تردید نکردن در دادن پاسخ قاطع به شرارت‌های امریکا در خلیج فارس، این تلاش‌ها را نقش بر آب کرده و ترامپ را در موقعیت دشواری قرار داده که استیصال و درماندگی از کمترین تبعات آن است.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۷۶۸۵

	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	■									■					
۲						■					■				
۳					■						■			■	
۴				■				■				■			
۵			■			■				■					
۶		■				■							■		
۷							■		■			■	■		
۸	■				■			■			■				■
۹			■	■			■		■						
۱۰			■							■				■	
۱۱						■				■			■		
۱۲				■				■				■			
۱۳		■			■						■				
۱۴					■					■					
۱۵						■									■

از راست به چپ

■ ۱- از شهرهای مازندران- بزرگ‌ترین پادشاه توران ■ ۲- گریزان- شهر پیاز و کباب- ویروسی که این روزها ایران و جهان را معطوف خود کرده است ■ ۳- طلا- پافشاری- نام اسب حضرت علی ■ ۴- امیدواری- نوعی چرم- عیب و عار- کارزار ■ ۵- شهر و استانی به همین نام- همراه خانم- حرف صریح- تصدیق انگلیسی ■ ۶- کلمه شگفتی- ناحیه‌ای فقیر در سودان- دارو ■ ۷- پرنده نماد وقار- ســنگ عصاری- تیم فوتبالی معتبر در پرتغال ■ ۸- درس کشیدنی- راندن مزاحم- مکان- گناه ■ ۹- ته‌بندی کتاب- خسیس- دوستی ■ ۱۰- اقامتگاه گردشگر- افسانه و داستان- ضمیر غایب ■ ۱۱- شیره انگور- بنده و شما- قصه- از شهرهای ترکیه ■ ۱۲- بندگاه میان ساعد و بازو- دشتی در ایران- خمیازه- صدای باد و مگس ■ ۱۳- متواضع- گاری- شهر آرامگاه پروین اعتصامی ■ ۱۴- چوپان- همراه تللی- فدراسیون جهانی شطرنج ■ ۱۵- از کاخ‌های هخامنشیان در مرودشت فارس- سر و صدای نامفهوم

از بالا به پایین

■ ۱- محل تقاطع دو راسته بازار- تابلویی از لئوناردو داوینچی ■ ۲- یک و یک- نظام و حکومتی که به‌جای پادشاه یک تن از طرف مردم برای مدت معینی به عنوان رئیس جمهور انتخاب می‌شود- چهل و پنجمین رئیس جمهور امریکا ■ ۳- مرتعش- خالص- از فرشتگان شب اول قبر ■ ۴- پشم شتر- اسم آذری- سوگ- گل خوشبو ■ ۵- استخوان سینه پرنده- آب صاف و گوارا- نوعی موسیقی کلامی ■ ۶- ثروتمند- وسیله‌ای در نجاری- گشوده ■ ۷- چشم‌پوشی از تصمیم- ضدعفونی شده ■ ۸- فانوس دریایی- اسلحه- سوگند- شیمی کربن ■ ۹- چاشنی فسنجان- پایتخت لیبی ■ ۱۰- رود فرانسوی- چلپاسه- صفت ســرو ■ ۱۱- سیخونک- ســر را به بدن می‌چسباند- آفتاب‌پرست ■ ۱۲- پدر ادریس نبی- بشــقاب پرنده- خدای درویش- کلیدان ■ ۱۳- زادگاه انیشتین- رد پا- از عشاق کتاب شکسپیر ■ ۱۴- نوعی ساندویچ- کشور زاگرب- سرای مهر ■ ۱۵- ناحیه سردسیر معروف قطب- اثنی‌عشر

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

			۹	۵				
						۳	۷	۹
۸		۳	۶					
۲						۱		۷
	۶				۵			
	۵			۱	۷		۴	۸
۶		۲						
						۸	۹	
			۱	۳				

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۷۶۸۴